

مقدمه

فرزند آوری در سراسر تاریخ از کارکردهای مهم خانواده بوده است. ترغیب خانواده‌ها به داشتن یک فرزند سبب شده تا والدین با شعار دو فرزند کافی است در عمل به یک فرزند اکتفا کنند. تک‌فرزندی گرچه پدیده جدیدی نیست؛ اما در جامعه ما در هیچ زمانی مانند الان فراگیر نبوده است. در میان آموزه‌های اسلامی نهمتها به تک‌فرزندی توصیه نشده؛ بلکه با آن مخالفت و با رعایت شرایطی دعوت به ازدیاد نسل شده است. به‌گونه‌ای که در قرآن کریم تکثیر نسل به‌عنوان یکی از مهمترین اهداف ازدواج معرفی شده است.

در ادامه به برخی از آسیب‌های تک‌فرزندی با رویکرد روان‌شناسی و علوم تربیتی اشاره می‌کنیم.

❖ فرزند سالاری

در خانواده‌های تک‌فرزندی، بیش‌ازحد به خواسته‌ها و مطالبات فرزند توجه شده و اغلب افراط و زیاده‌روی والدین در برآوردن خواسته‌های تنها فرزندشان مشاهده می‌شود. هرچند این خواسته‌ها غیرمنطقی، بلندپروازانه و فراتر از توان و بنیه مالی خانواده و یا حتی بیرون از مرزها و حدود قانونی و شرعی باشد. این توجه بیش‌ازحد والدین و قراردادن فرزند در کانون توجهات، اثرات سوئی بر شخصیت کودک دارد. این‌گونه کودکان غالباً حساس، زودرنج، پرتوقع و کم‌صبر هستند، نمی‌توانند عواقب اشتباهات خود را آزموده و مسئولیت عمل خود را بپذیرند. این کودکان از جامعه پیرامونشان انتظار دارند همانند والدین با آن‌ها رفتار کرده و چتر حمایتی خود را بر سر آنان بگسترانند.

تک‌فرزندها کمتر با مشکلات مواجه شده و در معرض تجربه‌کردن شکست، ناکامی رانده‌شدن و ... قرار نمی‌گیرند و شرایطی را که لازمه بلوغ روحی و روانی است، تجربه نمی‌کنند. در بسیاری از اوقات از آنجاکه دنیای واقعی کاملاً مطابق میل و خواسته این کودکان و پاسخگوی توقعاتشان نیست، دچار سرخوردگی و ناسازگاری می‌شوند. به‌علاوه فرزندسالاری مانع شکل‌گیری شخصیت فعال فرزند می‌شود.

شخصیت فعال شخصیتی است که بر اساس آن فرد نسبت به نگرش و رفتار خود هوشیار است. به‌راحتی تصمیم گرفته، کار خود را با اعتمادبه‌نفس به‌پیش برده و آن را به اتمام نیز می‌رساند و کمتر دچار تردید می‌شود.

❖ بلوغ زودرس

فرزند در دوره اولیه کودکی بیشتر نیازمند حضور والدین خود است؛ ولی در دومین دوره کودکی‌اش نقش همسالان بارزتر می‌شود و مهارت‌های زیادی را از آنان می‌آموزد. وجود خواهر یا برادر بزرگتر نیز می‌تواند مهارت‌های لازم برای اجتماعی شدن او را فراهم کند. حال اگر فرزند تک باشد، به‌ناچار باید در کنار بزرگسالان پرورش یابد؛ در نتیجه او تجربه‌ای از کودکی و نوجوانی خود نداشته و با بازی‌ها کارها و نقش‌های این گروه سنی آشنا نیست و یک‌دفعه پرشی به دوران مسئولیت‌پذیری بزرگسالان خواهد داشت. وی از لحاظ روحی و روانی بسیار سریع‌تر رشد کرده و دنیا را از دید بزرگسالان می‌بیند. حضور در چنین خانواده‌ای که فقط شامل افراد بالغ است، سبب بلوغ زودرس کودک می‌شود.

از عوارض بلوغ زودرس این است که کودکان در مقابل استرس‌های زمان جوانی قرار گرفته و نمی‌دانند چه باید بکنند. آن‌ها از نظر جسمی نشانه‌های بلوغ را دارند؛ ولی تجربه یکی از مؤلفه‌های خانواده منسجم، پیوندهای عاطفی و میزان وابستگی فرزند را به اندازه کافی ندارند. در این شرایط در هر دو جنس به دلیل افزایش تمایل به شهرت، رفتارهای ناهنجاری همچون خودارضایی شیوع پیدا می‌کند.

❖ کم شدن روابط اجتماعی و عدم جامعه‌پذیری

فضای زندگی خانوادگی توأم با فرصت‌های کافی برای روابط متقابل متنوع بوده، برای فرزندان الگوهای رفتاری و زمینه‌های تبادل تجارب، تمایلات و عواطف را به وجود آورده و از عوامل مؤثر در بهبود مهارت در روابط اجتماعی است؛ اما در خانواده‌های هسته‌ای، محدود، با فرزندان کم و به خصوص تک‌فرزند برخورداری از فضای زندگی خانوادگی ممکن نیست. گرایش به انزوا، افسردگی، ضعف در برقراری ارتباط با همسالان، توجه بیش‌ازحد به بازی‌های رایانه‌ای و انفرادی ترس یا تنفر از حضور در گروه‌های اجتماعی از جمله خصوصیات تک‌فرزندهاست. زندگی در کنار برادر یا خواهر روحیه جامعه‌گرایانه کودک را تقویت کرده و مدیریت در روابط اجتماعی را به وی می‌آموزد. همدلی و هم‌سویی با افراد خانواده، عشق‌ورزی و سهولت در برقراری ارتباط با افراد هم سن در جامعه و مدرسه از اصلی‌ترین ویژگی‌های فرزندان خانواده‌های دارای بیش از یک فرزند است. محدودیت روابط اجتماعی در خانواده‌های تک‌فرزند می‌تواند دنیای روانی و اجتماعی افراد را محدود جلوه دهد و در این شرایط اگر مشکلی برای فرد به وجود

آید؛ ممکن است پیامدهای تهدیدکننده‌ای پدید آورد، زیرا فرد می‌تواند با از دست دادن یک نقطه‌ی امید و اتکا نتواند به کانون دیگری چشم امید داشته باشد.

همچنین وقتی روابط محدود است، جزئیات آن می‌تواند اشتغال ذهنی زیادی برای افراد ایجاد کند. برای مثال دیده می‌شود که مادر با مشاهده‌ی کوچک‌ترین احتمال آسیب با بیماری فرزندش سراسیمه و آشفته می‌شود با هر رفتار ظاهراً غیرمعمول و غیرعادی کودک را نشانه‌ای از پدید آبی مشکل رفتاری و اخلاقی او می‌داند، یا پدر با بروز کوچک‌ترین مشکل در زندگی خانواده دچار حالت اضطراب و دست‌پاچی می‌گردد و البته توجه به جزئیات رفتاری در این‌گونه خانواده‌ها سبب درگیری‌های کم‌اهمیت خانواده نیز می‌شود.

❖ کاهش انسجام خانواده

یکی از مؤلفه‌های خانواده منسجم، پیوندهای عاطفی و میزان وابستگی فرزندان به والدین و بالعکس است. به همان میزان که وابستگی متعادل ضروری و دارای مزایای فراوان است، افراط‌تفریط در آن دارای آسیب بوده و مشکل‌زاست. در خانواده‌های تک‌فرزند میزان وابستگی دارای افراط‌تفریط است. به این معنا که گاهی اوقات فرزند به سبب فرزندان اشتغال والدین مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار می‌گیرد و گاهی نیز در کانون توجه بیش‌ازحد والدین هست. تعدد فرزندان می‌تواند سبب ایجاد هماهنگی لازم و شکل‌گیری وابستگی متعادل باشد. کاهش وابستگی فرزندان به خانه و خانواده در خانواده‌های تک‌فرزند سبب احساس تنهایی عمیق، ترویج فرهنگ استقلال‌طلبی، افزایش میل به فرار، کم‌شدن قیح تک‌زیستی و تجرد، کاهش قداست و اهمیت تشکیل خانواده و افزایش سن ازدواج می‌شود. در حاشیه‌ی شهرها که اصولاً خانواده‌ها جداشده از شبکه خویشاوندی هستند، شاهد افزایش کودک‌آزاری کودکان رهاشده و افزایش بزه هستیم.

❖ تضعیف شبکه‌ی ارتباطی خویشاوندی

تجربه و ادراک مستقیم روابط انسانی در قالب زندگی "خانوادگی" به شکل سنتی آن، احساس ناشی از داشتن "خواهر" یا "برادر" و در شبکه روابط خویشاوندی مثل "عمو"، "عمه"، "دایی" و "خاله" است که عامل پیوندها و ثبات عاطفی در روابط اجتماعی نخستین هستند. سیاست تک‌فرزندی می‌تواند تبعات مخرب عاطفی داشته و نسل برآمده از این خانواده‌ها به سمت انزوا و تنهایی سوق داده



دانشگاه علوم پزشکی خدمات بهداشتی درمانی گیلان

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گیلان
بیمارستان شهید انصاری رودسر
واحد آموزش سلامت

آسیب‌های تک‌فرزندی



تهیه و تنظیم: هاجر فکوری

کارشناس پرستاری

۱۴۰۳

تلویزیون

تحقیقات درباره‌ی رشد شناختی نشان می‌دهد که تعامل اجتماعی محرک بسیار مهمی در تکامل رشد است. کودکان مدت‌زمان زیادی را صرف تماشای تلویزیون می‌کنند و فرصت کمتری برای دیگر فعالیت‌های فیزیکی و تعامل با همسالان دارند. این امر تعامل اجتماعی را کاهش داده و می‌تواند تأثیر منفی بر رشد شناختی داشته باشد.

بازی‌های رایانه‌ای

اعتیاد و وابستگی، پرخاشگری، القای ارزش‌های فرهنگی ناهمخوان و پیامدهای جسمانی اعم از چاقی، دردهای مفصلی، درد مچ گردن و پیامدهای روانی و آسیب رشته‌های عصبی پیرامونی، شبادراری و توهم حداقل آسیب‌های بیان‌شده برای بازی‌های رایانه‌ای هستند که امروزه بیشتر اوقات کودکان تنها را پر می‌سازد.

اینترنت و ماهواره

یکی از عوارض اینترنت اعتیاد به آن است. کاهش رضایت از زندگی و احساس محرومیت در افراد که از طریق مقایسه‌ی وضع خود با دیگران به وجود می‌آید از آسیب‌های این فضای مجازی و برنامه‌های ماهواره است. علاوه بر این‌ها افزایش خشونت با دیکتاتوری والدین را به دنبال خواهد داشت. علاوه بر این افزایش انتظارات، تشدید روحیه‌ی مصرف‌گرایی، ارائه سبک زندگی، تضعیف پایبندی مذهبی، تسریع روند یکسان‌سازی فرهنگ‌ها از دیگر مضراتی است که می‌توان به آن اشاره کرد.

مطابق با تحقیقات انجام‌شده افرادی که به استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنت گرایش بیشتری دارند، مشکلاتی از قبیل کاهش سلامت روان، کاهش روابط اجتماعی، غفلت در انجام دادن مسئولیت‌های مربوط به خانواده، شغل و تحصیلات را گزارش کرده‌اند.

منابع:

- بیابان‌گرد، اسماعیل. (۱۳۸۷). فرزند من و رسانه، مرکز امور زنان و خانواده. تاجیک اسماعیلی، عزیز الله. (۱۳۷۵). فرزند کمتر یا بیشتر، پیوند. حق‌شناس، جعفر. (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی خانواده. خانواده‌ی پویا. (۱۳۸۶)، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی. رسانه‌های جمعی و مشکلات خانوادگی، فروردین و اردیبهشت ۸۸ شماره ۲۵۴ و ۱۵۵. رحمتی شهرضا، محمد. (۱۳۹۱). بررسی ازدیاد یا کنترل جمعیت، انتشارات فاتح خبیر. سادات، محمدعلی. (۱۳۷۵). رفتار والدین با فرزندان، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

می‌شوند.

به‌علاوه خانواده‌هایی با فرزندان بیشتر بانشاطتر هستند و در یک خانواده‌ی کامل که به‌مثابه یک سیستم است، هر نسبتی اعم از برادر، خواهر، عمو، عمه، خاله و دایی در آن حضور دارند. براساس تحقیقات روان‌شناسان رفتارهای پسری که خواهر دارد، به‌نجارتر از رفتارهای پسری است که خواهر ندارد.

یک متخصص کودکان و روان‌کاو معروف انگلیسی بر این باور است که ارتباط با خواهر و برادر نقشی مهم و اساسی در رشد و شکوفایی کودک ایفا می‌کند. این ارتباط در او میل به بازی و سرگرمی ایجاد می‌کند، این امکان را فراهم می‌سازد تا نقش‌های متفاوتی را بازی کند، به او کمک می‌کند تا خلاقیت و خودجوشی‌اش را افزایش دهد، به او فرصت می‌دهد تا خشم و پرخاشگری‌اش را ابراز کند و به او می‌آموزد تا این حس را هدایت کند؛ همان چیزی که او را برای زندگی در جامعه و رویارویی با افراد آماده می‌کند. کاهش اقتدار والدین پیامد دیگر تضعیف شبکه خویشاوندی و روابط خانوادگی است. در یک سیستم خانوادگی کامل همگان فرزندان را به پدر و مادرشان ارجاع می‌دهند این کار سبب شکل‌گیری یک اقتدار درون‌شبکه‌ای و نهادینه شدن الگوی هر می‌قدرت در خانواده به‌صورت غیرمستقیم در ذهن کودک می‌شود. ایجاد اقتدار توسط خود والدین و به‌دوراز شبکه خویشاوندی اصولاً آسیب‌های بسیاری چون بروز خشونت با دیکتاتوری والدین را به دنبال خواهد داشت. در صورتی‌که این اقتدار به شکل طبیعی در درون شبکه خویشاوندی شکل می‌گیرد.

شبکه خویشاوندی در پرورش دینی و مذهبی فرزندان نیز تأثیر مستقیم دارد. الگوپذیری در کودکان امری طبیعی بوده و آنان پیوسته از رفتار اطرافیان خود اثر می‌پذیرند. این نوع آموزش که آموزش مشاهده‌ای و غیرمستقیم است در تربیت کودک مؤثر است.

❖ جایگزینی رسانه

رسانه‌ها مانند درپچه‌ای به جهان خارج در دیدگاه‌ها و رفتارهای افراد مؤثر هستند؛ کم شدن ارتباطات کلامی در خانواده‌های کم‌جمعیت، سبب حاکمیت رسانه‌های تصویری می‌گردد، این امر تغییر الگوی ارتباطی در خانواده را به همراه دارد. کودک یا نوجوانی که از تنهایی رنج می‌برد به دنبال جایگزینی برای اوقات فراغت خود است در نتیجه به تلویزیون، جاذبه‌های گرافیکی و هیجان‌های کاذب در بازی‌های رایانه‌ای و دنیای مجازی رو می‌آورد.